

واکاوی مبانی حجیت ظن در موضوعات احکام*

□ جعفر همت‌آبادی **

□ حجت‌الله بیات ***

چکیده

مسئله حجیت ظن از مسائل مهم علم اصول فقه است که اندیشمندان اصولی، بیشتر آن را در حوزه احکام، مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر در ناحیه موضوعات مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکرد اصولی و روش تطبیقی و تحلیلی به تبیین این نکته پردازد که ظن در موضوعات از اصل اولیه عدم حجیت ظنون به نحو ظن مطلق مستثنا نمی‌شود؛ چراکه حجیت ظن به گونه خاص در ناحیه موضوعات احکام فقهی امکان‌پذیر هست و کارآمدترین ظنون خاصه در این ناحیه، خبر واحد ثقه و قول اهل خبره است که در این پژوهش باهدف رفع اشکال از اطراف آن‌ها مورد توجه قرار گرفته و سرانجام به این نتیجه رسیده، ظن نوعی حاصل از اخبار ثقه در حل شبهات موضوعیه، به مانند در شبهات حکمیه از اعتبار برخوردار است و نیز قول اهل خبره می‌تواند از باب افاده اطمینان شخصی و نوعی و نسبت به بعضی موارد به دلیل انسداد صغیر، تسالم فقها و نصوص خاصه دارای اعتبار باشد ولو در این موارد مفید ظن نوعی باشد؛ مادامی که در تعارض با قول خبره دیگر قرار نگیرد.

کلیدواژه‌ها: ظن، موضوعات احکام، اطمینان نوعی، ظن نوعی، خبر واحد، قول اهل خبره.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۲/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۵/۱۵.

** پژوهشگر مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی (نویسنده مسئول) (jhmty27@gmail.com).

*** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث (bayat.h@qhu.ac.ir).

مقدمه

تحقیق پیرامون شناخت مفهوم و مصداق واقعی موضوعات پیچیده به جهت ایجاد تسهیل در فهم آن‌ها، امری نیکو به شمار می‌آید و می‌دانیم مفهوم شناسی و مصداق یابی موضوعات احکام فقهی، باید بر اساس یک سازوکار عقلانی و برخوردار از حجّیت شرعی صورت گیرد تا قابل اعتناء باشد. در ناحیه مفهوم شناسی موضوعات، برای فهم ظهور تصوّری یا تصدیقی (کشف معنای مراد شارع و متکلم)، منطق فهم و سازوکار عقلانی همان است که در مباحث الفاظ علم اصول فقه بررسی شده است. اما در مقام عمل و کشف مصادیق موضوعات شرعی، مهم‌ترین مسئله بحث برانگیز، مربوط به حجّیت ظن در موضوعات است که اگر مکلف به شناخت یقینی و اطمینانی نرسید و در حالت ظن قرار گرفت اصل اولیه نسبت به ظن در موضوعات چیست و اگر اصل عدم حجّیت است به صورت خاص، ظن ناشی از کدام امارات عقلانی در مورد موضوعات دارای حجّیت شرعی می‌باشد؟ و نیز در صورت تعارض امارات ظنیّه مؤثر در اثبات موضوعات، راه برون رفت از تعارض چگونه است؟ این‌ها پرسش‌های اساسی است که تا پاسخ منطقی از آن‌ها داده نشود، موضوع شناسی احکام فقهی، سازوکار عقلانی برخوردار از حجّیت شرعی پیدا نمی‌کند.

فقه‌ها اجمالاً اشاره کرده‌اند که ظن در موضوعات حجّیت ندارد، مگر موارد خاص قابل اقامه دلیل معتبر که در این زمینه وجود دلیل در بعضی موارد قطعی است، مانند ظن نوعی ناشی از ذوالید که دلیل معتبر بر حجّیتش داریم. (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۷۹) اما اثبات موضوعات- در بین عامه مردم و یا عرف متشرعه و فقها- عمده از طریق اخبار و اظهارات اهل خبره و کارشناس صورت می‌گیرد؛ از این رو فقها به اهمیت بحث از حجّیت ظنون خاصه مانند خبر واحد و قول اهل خبره در اثبات موضوعات احکام توجّه دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۷۹/۲) ولی آرای آنان دچار تشّت و پراکندگی است و روشن تر شدن حدود و ثغور مسئله و نیز اثبات قول به حق، درگرو ارائه پژوهشی نظام‌اند و جامع هست. این نوشتار بامطالعه تحلیلی و با رهیافت اصولی درصدد است که معلوم نماید برای شناخت و اثبات موضوعات، در غیر امور مربوط به باب قضا و دعاوی، می‌توان به خبر واحد شخص عادل یا

ثقه و نیز اهل خبره اعتماد کرد به شرط آنکه اقتضای حصول وثوق نوعی را داشته باشد و با مانع، همچون تعارض مواجه نگردد.

ادبیات پژوهش

حجّیت ظن در موضوعات در حدّ ظن مطلق و خاص قابل بررسی است، البته حجّیت مطلق ظن به دنبال عدم حجّیت ظن خاص مطرح می شود، و پس از اثبات حجّیت ظن خاص، مانند خبر واحد ثقه و قول اهل خبره، دیگر نیازی به بحث درباره ظن مطلق نداریم (شیروانی، ۱۳۸۳: ۳۰۵)؛ زیرا ظن مطلق وقتی حجّت است که باب علم و علمی منسد باشد. درعین حال برخی محققان، ادلّه قابل طرح بر حجّیت ظن مطلق، در تحقّق مطلق موضوعات را بررسی نموده، و سرانجام به این نتیجه رسیده است که تمام آن دلایل مخدوش است و تنها ظنون و امارات ظنی برخوردار از دلیل معتبر و قطعی، در اثبات موضوعات احکام مشروعیت دارد. (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۲۵ - ۱۴۹)

به صورت خاص مهم ترین امارات کاربردی در کشف ماهیت و تحقّق موضوعات، خبر ثقه و قول اهل خبره و کارشناس است. گرچه در مورد اعتبار این امارات در موضوعات، پژوهش هایی انجام شده؛ لکن در مورد اماره کارشناس و اهل خبره بعضی پژوهش ها، رویکرد حقوقی دارد. (ساعی، ۱۳۹۲؛ ابراهیم زاده خلیفه محله، ۱۳۹۸) بعضی دیگر تنها به قول اهل خبره خاص مانند قول لغوی (حیدری، ۱۳۹۷) و خبره در علم رجال (جوان، ۱۳۹۳) توجّه کرده اند. عده ای هم به بررسی مناط اعتبار قول اهل خبره با قطع نظر از خبره خاص پرداخته اند. به اعتقاد این گروه از پژوهش گران حصول وثوق نفس به نحو شخصی یا نوعی برای اعتبار قول اهل خبره کافی است و دیگر شرایط، مانند شرط عدالت و تعدد را نمی توان به عنوان شرط لازم تلقی نمود. (مهدی حسن زاده، ۱۳۸۹ و حبیب الله طاهری و محمد حکیم ۱۳۹۵) لکن قول اهل خبره همیشه مفید وثوق نیست، چه بسا افاده ظن شخصی یا نوعی نماید که در پژوهش های انجام شده به این قسم اشاره نشده است. از طرفی بر اثبات اعتبار قول بعضی از اهل خبره، به غیر از سیره عقلا ادلّه دیگر مانند انسداد صغیر باب علم و علمی، تسالم فقها و یا نصوص وارده در منابع روایی، قابل اقامه است. در این گونه موارد اگر قول خبره منجر به وثوق نگردد؛ بلکه مفید ظن شخصی یا نوعی باشد بازهم از اعتبار لازم برخوردار خواهد بود.

در خصوص اعتبار خبر واحد در شناخت موضوعات نیز به طور مستقل دو پژوهش انجام شده است: نخست عده‌ای از پژوهشگران با تمرکز روی کلام مرحوم آیت‌الله سید احمد خوانساری، ضمن احصاء اقوال در مسئله، به تبیین دیدگاه ایشان پرداخته‌اند. (محمد کرمی، محمدتقی قبولی درافشان و حسین ناصری مقدم، ۱۳۹۵: ۵۷۹) پژوهش دیگر، توسط سید محمد بشیر یزدانی انجام گرفته که در آن، پژوهشگر عمدتاً به تبیین ادله موافقان حجیت خبر واحد عادل در موضوعات می‌پردازد. (۱۳۹۷ش) اما در هر دو تحقیق به مهم‌ترین دلیل مخالفان، یعنی خبر مسعده بن صدقه نیز اشاره شده که به عقیده مشهور در خبر مسعده، راه شناخت موضوعات محصور به یقین وجدانی و اقامه بیّنه شده و سخنی از خبر واحد عادل یا ثقه نیامده است. در ردّ این بیان گفته شده که این حصر حقیقی نیست تا مفهوم داشته باشد و به واسطه آن حجیت خبر واحد در موضوعات نفی گردد؛ چراکه اثبات تحقق موضوعات از طریق دیگر از قبیل استصحاب نیز امکان‌پذیر می‌باشد.

پژوهش حاضر مضاف بر پاسخ مذکور، بر آن است که بگویید خبر مسعده و سایر اخبار مربوط به قاعده حلیت در مقام بیان قانون کلی برائت از حرمت در شبهات تحریمیه حکمیه و موضوعیه است، مگر مواردی که بر ثبوت حرمت، دلیل معتبر پیدا شود؛ لذا اصلاً بیّنه در حدیث به معنای اصطلاحی (شهادت عدلین) موردنظر نیست.

مفهوم ظن و انواع آن

برای واژه ظن در کتاب‌های لغت، معانی مختلف ذکر شده از جمله گفته شده: اسم برای چیزی است که از اماره حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۹)، احتمال قوی (قریشی بنایی، ۱۴۱۲: ۲۷۳/۴)، خلاف یقین (محمود عبدالرحمان، ۲/ ۴۵۱) و نیز به معنای شک و یقین هم استعمال شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/ ۴۶۲)

در اصطلاح گفته شده: «رجحان یافتن یکی از دو طرف تردید در ذهن و گاهی هم ظن، به اسبابی اطلاق می‌شود که موجب ایجاد رجحان یکی از دو طرف تردید در نوع عقلا می‌گردد.» (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۶۱؛ حسینی، ۲۰۰۷: ۲۱۳؛ مشکینی، ۱۳۹۶: ۱۵۰) شق اول این تعریف مربوط به تعریف ظن شخصی است و شق دوم تعریف مربوط به ظن نوعی است که تبیین مفهومی هر یک از این دو نوع ظن به شرح ذیل هست:

۱. ظن شخصی

این نوع از ظن که قسیم ظن نوعی است حالت و صفتی خاص است که در نفس شخص معین در مسئله خاصی ایجاد می‌گردد همان‌گونه که صفت علم و شک از حالات نفسانی شمرده می‌شود. به بیان دیگر هرگاه برای شخص خاص از طریق اسباب ظن آور، ظنی ایجاد شود به آن ظن شخصی می‌گویند، خواه این اسباب ظن آور امارات معتبره باشد و خواه شخص خاص از طریق دیگری مثل خبر شخص فاسق به مطلبی ظن پیدا کند. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۵۵۲)

۲. ظن نوعی

مقصود از آن اماره‌ای است که انتظار می‌رود برای نوع مردم افاده ظن کند، یعنی شأنیت و صلاحیت آن را دارد (شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۸۷)؛ پس نتیجه گرفته می‌شود که اطلاق ظن بر آن مجازی است؛ زیرا ظن یک حالت نفسانی حادث، برای اشخاص حقیقی هست. بنابراین تعریف حقیقی ظن آن است که هرگاه ذهن انسان در مسئله‌ای دچار تردید گردید، اگر میل به یک طرف تردید، در نظر او قوی بوده و میل به طرف دیگر، ضعیف باشد، طرف راجح و قوی را ظن می‌گویند.

در مورد توجّه شارع به امارات به این علّت که مفید ظن شخصی بوده یا ظن نوعی، مرحوم شهید صدر معتقد است اماره دلیلی است که کاشفیت در حد ظن نوعی از واقعیت دارد؛ زیرا عقلاً نیز به امارات به خاطر دارا بودن اماره، شأنیت و صلاحیت افاده ظن را نزد غالب انسان‌ها، توجّه نموده‌اند و شارع به دلیل همین ویژگی، آن را معتبر ساخته است. بنابراین، اگر احیاناً برای کسی که اماره به دست او آمده، ظن حاصل نگردد، خللی در اعتبار و حجّیت آن وارد نخواهد شد، بلکه اماره برای همان شخص هم حجّت خواهد بود، زیرا دلیل اعتبار آن بیانگر آن است که شارع آن را حجّت قرار داده و به طریق بودن آن راضی شده، به جهت آنکه صلاحیت و شأنیت افاده ظن را دارد، هرچند از آن برای برخی افراد، ظن فعلی حاصل نگردد. (مظفر، ۱۳۷۵: ۱۶/۳)

معنای حجّیت ظنون عقلانی

در بیان مفهوم حجّیت در باب ظنون ناشی از امارات تأسیس یافته از سوی عرف عقلا، تفسیرهای متفاوتی وجود دارد:

۱. از کلام برخی از اصولیون چنین استظهار می‌شود که وقتی شارع مقدس ظن ناشی از اماره‌ای را حجّت می‌داند، مفهوم این حجّیت این است که عمل به آن ظن و مفاد آن اماره، در صورت اصابت به واقع منجز است و در هنگامی که با واقع اصابت نکند، شارع آن را معذّر قرار داده است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۰۵)

۲. گروهی دیگر معتقدند که حجّیت ظن برخاسته از امارات، به معنای تتمیم کشف و جعل اعتبار شرعی برای آن‌هاست. به عبارت دیگر شارع با حجّت دانستن ظن ناشی از امارات عقلایی، آن را به منزله علم قرار می‌دهد. (نائینی، ۱۳۷۶: ۴۸۱/۴ - ۴۸۲)

۳. جماعتی بر این عقیده‌اند که وقتی شارع امارات عقلایی را امضا می‌کند این امضا به معنای جعل حجّیت جدید یا تتمیم کشف ظن نوعی ناشی از این امارات نیست؛ بلکه تأیید و تأکید بنا عقلاست؛ زیرا عقلا برای حفظ نظام اجتماعی خود و جلوگیری از اختلال در آن به تأسیس امارات اقدام و عمل می‌کنند و به انتظار تنفیذ و امضای شارع نمی‌ایستند؛ در این حالت شارع نیز چاره‌ای از امضای آن ندارد چراکه ردع از آن موجب ایجاد اختلال در اجتماع آدمیان می‌گردد. (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱/۱۰۵ - ۱۰۶)

به نظر می‌آید، وقتی شارع حجّیت بعضی از ظنون ناشی از امارات عقلایی را می‌پذیرد، این پذیرش و امضا، ملازم با جعل اعتبار شرعی و تتمیم کشف برای آن امارات و ظن ناشی از آن‌هاست؛ زیرا با امضای شارع، امارات از مرتبه اعتبار عقلایی ارتقاء یافته و در مرتبه بالاتر از اعتبار قرار می‌گیرند و آن مرتبه حجّیت شرعی است. مرحوم شهید صدر به این نکته چنین اشاره می‌کند:

سیره عقلا، وقتی امضای شارع در موردش ثابت شد این امضاء بدین معناست که حکم یا تشریع که عقلا بر طبق آن عمل می‌کردند؛ حکمی شرعی از طرف شارع می‌شود. (عبدالساتر، ۱۴۱۷: ۲۳۳/۹)

البته این سخن که جعل و اعتبار شارع سبب تتمیم کشف امارات می‌گردد، اگر مقصود در عالم تکوین باشد این حرف درستی نیست؛ زیرا امر تکوینی، مرتبه و درجه وجودی آن در پرتو صرف یک اعتبار افزایش پیدا نمی‌کند؛ بلکه محتاج به علّت وجودی خویش است، بنابراین ملازمه‌ای میان امضای شارع با تتمیم کشف امارات عقلایی ظنی در عالم تکوین وجود ندارد؛

ولی اگر مراد تتمیم کشف صرفاً در عالم اعتبار باشد؛ یعنی تنها در مرحله عمل، معامله علم با آن می‌شود، در این صورت اشکال مذکور وارد نیست.

اصل اولیه در ظن به موضوعات

هرگاه فهم معنا و نیز تشخیص مصادیق موضوعات شرعی برای مکلف به صورت قطعی وقوع یابد و تردید و احتمال خلاف منجر به ظن و گمان در آن نباشد، در این صورت وظیفه روشن است که باید طبق علم و یقین عمل شود و نزاعی در آن نیست؛ چراکه همه قبول دارند حجّیت علم و یقین ذاتی و لازمه جداناپذیر آن است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۵۸).

بحث در فهم و تشخیص در حدّ ظن و گمان شخصی یا نوعی است که آیا عمل طبق آن در تمیز موضوعات مطلقاً مشروعیت دارد یا تنها ظن ناشی از امارات مشخص با شرایط خاص معتبر است؟ در این زمینه از یک نگاه کلی، فقها و اندیشمندان علم اصول فقه، باورشان چنین است که ظن و گمان طریقت و کاشفیت کامل و تام به واقع ندارد؛ لذا حجّیت آن همانند قطع و یقین ذاتی نیست و نیازمند جعل و اعتبار است، بنابراین تا اعتبار و حجّیتی از برای ظنون جعل نگردد اصل اولیه در مورد آن‌ها همیشه عدم حجّیت است مگر مواردی که دلیل قطعی دارند.

البته در تأیید این تحلیل به آیاتی از قرآن کریم نیز استناد می‌شود از قبیل آیه معروف: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً.» (نجم: ۲۸) لکن گفته شده این آیات ربطی به عدم حجّیت ظن در اثبات موضوعات یا احکام ندارد؛ زیرا در مقام بیان مسائل اعتقادی است که اعتقاد به خدا و آخرت در نفس انسان، جز به علم و یقین محقق نمی‌شود. (مظفر، ۱۳۷۵: ۱۷/۲)

انواع جعل حجّیت برای ظنون در موضوعات

وضع حکم وضعی حجّیت برای مسئله ظن در موضوعات به دو گونه امکان‌پذیر می‌باشد:

۱. جعل تعبّدی

گاهی حالت ظنّیه‌ای به انسان مکلف در ثبوت یک موضوع مرتبط با احکام شرعی دست می‌دهد

که از جهت اعتبار و حجّیت، سابقه‌ای در میان عقلا ندارد و از طریق یک اماره معتبر عقلانی به دست نیامده؛ لکن با این حال شارع مقدّس برای آن اعتبار قائل شده و عمل طبق آن را مجزی دانسته است. از این موارد به جعل تعبدی و تأسیسی نام می‌برند. مثالش در ظن شخصی، گمان پدیدار شده در رکعات نماز است. پس هرگاه نمازگذار یقین به تعداد رکعات نمازش ندارد ولی در صفحه ذهنش، ظن و گمانی نسبت به شمار رکعات برایش پدید آمده، در این حالت دیدگاه فقها این گونه است که بدون هیچ اختلافی، ظن در رکعات سوم و چهارم نمازهای چهار رکعتی همچون علم معتبر است. همچنین بنابر قول مشهور ظن در رکعتهای اوّل و دوّم نماز چهار رکعتی و نیز دورکعتی و سه رکعتی حکم علم را دارد. (هاشمی شاهرودی و جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶: ۶/۲۰۵) اما مثال در ظن نوعی، می‌توان به ظن ناشی از امارت بازار مسلمین و ید مسلمان اشاره کرد که در رابطه با مسئله تذکیه حیوانات قابل تذکیه و حلال گوشت مطرح است. (محمدی خراسانی، ۳۰۱/۲) پس چنین اماره‌ای تا قبل از اسلام نبوده؛ بلکه بعد از نزول دین اسلام و ایجاد امت و بازار اسلامی، شارع سوق مسلمین را به عنوان یک اماره معتبر دانسته است.

۲. جعل امضائی

بعضی از ظنون، خواه به صورت نوعی یا شخصی در موضوعات، به واسطه امارات معتبر عقلانی شکل می‌گیرد و قبل از آنکه شارع نظر خود را در باب اعتبار آنها با فعل، قول، تقریر و عدم ردع خود ابراز بدارد، عقلا برای آن تحت شرایط خاص اعتبار قائل شده‌اند. این قسم به ظنون عقلانی معروفند و حجّیت شرعی آنها متوقف بر امضاء شارع و عدم ردع او می‌باشد که این گونه اعتبار بخشی به ظنون را جعل امضائی می‌نامند. (آملی، ۲۰۶-۲۰۷)

مهم ترین ظنون کارآمد در شناخت موضوعات

از جمله کاربردی ترین ظنون امضائی در باب اثبات موضوعات عبارت است از:

۱. ظن حاصل از خبر واحد

بنا عقلا عالم از قدیم الایام بر این استوار بوده که به اخبار واحد مفید ظن شخصی یا نوعی، در

صورت عادل یا ثقه بودن مخبرش، اعتماد می‌کنند و احتمال خلاف در اطراف این گونه اخبار را نادیده می‌گیرند. فرقی هم ندارد که مفاد این خبر بر اثبات یک حکم دلالت کند یا موضوع حکم، به واسطه آن معلوم و روشن گردد. در ثبوت اصل این سیره و نیز پذیرش آن از سوی شارع مقدّس برای اثبات احکام اختلافی نیست، آنچه محل بحث و نزاع واقع شده، تحلیل چند روایت است که آیا بر ردع از حجّیت خبر واحد در موضوعات دلالت دارند یا خیر؟ معروف‌ترین روایت در این باره نقل مسعده بن صدقه است:

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعُهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ وَذَلِكَ مِثْلُ الثَّوبِ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَيْتَهُ وَهُوَ سَرَقَةٌ أَوْ الْمَمْلُوكُ عِنْدَكَ وَ لَعَلَّهُ خُرٌّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ أَوْ خُدْعٌ فَبِيعَ أَوْ قَهْرٌ أَوْ امْرَأَةٌ تَخْتَكُ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى يَسْتَيِّنَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ؛

مسعده بن صدقه از امام صادق عليه السلام روایت می‌کند که: «شنیدم آن حضرت می‌گوید: هر چیزی برای تو حلال است مگر آن که علم به حرمت آن پیدا کنی. در این صورت آن را ترک کن - مانند لباسی که آن را خریده‌ای درحالی که احتمال دارد سرقتی باشد یا عبدی در اختیار توست ولی احتمال می‌دهی آزاد باشد و خود را فروخته یا خدعه زده و فروخته شده یا قهر کرده است یا زنی در اختیار توست و احتمال می‌دهی خواهرت یا دختر رضاعی تو باشد. همه اشیاء به همین صورت هستند مگر آن که خلاف آن برای تو آشکار شود یا بینه بر آن اقامه گردد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۱۳-۲۱۴)

روایت به دلیل قرار گرفتن مسعده بن صدقه در سندش، ضعیف شمرده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۲/۹۴) اما در عین حال مشهور بدان عمل کرده‌اند از این رو با تمسک به قاعده انجبار ضعف سند به عمل اصحاب، ضعف سند قابل جبران است.

به لحاظ دلالتی صدر روایت اشاره به مشروعیت یک اصل محرز در شبهات حکمیه دارد اینکه هرگاه علم و اطمینان بر حرمت شیء و موضوعی پیدا نکردی قاعده اولیه بر حلیت آن شیء استوار است.

مراد از علم، اعم از حقیقی و تعبدی هست به عبارت دیگر مقصود از علم، حجت شرعی است که مشمول هر دلیل معتبر می‌شود. (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴: ۳۱۷) خواه آن دلیل یقینی مانند خبر متواتر یا ظنی مانند خبر واحد ثقة باشد؛ زیرا بدیهی است همین مقدار که دلیل، از اعتبار شرعی برخوردار باشد برای اثبات احکام شرعی کافی می‌باشد.

نکته مهم این است که منشأ شک در حکم شرعی یک موضوع گاهی اجمال و فقدان نص و یا تعارض دو نص است از این موارد به شبهه حکمیه نام می‌برند و گاهی امور خارجی می‌باشد که به صورت شبهه موضوعیه ظاهر می‌گردد. از مثالهایی که امام علیه السلام در ادامه حدیث آورده، معلوم می‌شود منشأ شک امور خارجی است و حدیث به شبهه حکمیه و موضوعیه هر دو اشاره دارد؛ چنانچه در روایت آمده اگر به هنگام خریداری لباس شک شد که فروشنده از راه دزدی آن را به دست آورده یا نه، در نتیجه آیا استفاده از آن حلال است یا نه؟ امام علیه السلام می‌فرماید: حکم اولیه در این گونه موارد حلیت است مگر آنکه خلاف آن آشکار شود یا بینه برخلاف آن اقامه گردد. در اینجا نزاع شده که مراد از بینه چیست؟

به اعتقاد مشهور فقها مقصود شهادت دو فرد عادل بر ثبوت موضوع می‌باشد و نه فرد واحد؛ زیرا اگر خبر واحد مفید ظن نوعی کافی در اثبات موضوعات بود لازم نبود که امام علیه السلام شناخت یقینی را مطرح سازد و اقامه بینه را بدل از آن قرار دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۵۷/۲) بر اساس این تحلیل روایت مسعده در مقایسه با اطلاق ادله حجیت خبر واحد در احکام و موضوعات، رابطه مطلق و مقید پیدا می‌کند و از باب قاعده حمل مطلق بر مقید، در مقام جمع، ادله حجیت خبر واحد مقید به احکام می‌شود و دیگر شامل موضوعات نخواهد بود.

تحلیل دوم که قول به حق است، اینکه این حدیث و دیگر احادیث مربوط به قاعده حلیت (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۹/۶) در مقام بیان این نکته هستند، تا دلیل معتبر شرعی بر ثبوت حرمت چیزی، خواه در شبهات حکمیه و خواه موضوعیه پیدا نشود؛ حکم اولیه حلیت و برائت از حرمت است. از طرفی دلیل معتبر، منحصر در امارات مفید علم و یقین مانند خبر متواتر و نیز بینه به معنای شهادت دو فرد عادل نیست؛ بلکه شامل خبر واحد ثقة و عادل نیز می‌شود. (خویی،

۱۴۱۸: ۴۳۳/۲۲) بنابراین بینه در حدیث به معنای لغوی مراد است که اعم از فرد عادل واحد و متعدد می‌شود و به این بیان محتوای حدیث در تنافی به نحو مطلق و مقید با ادلّه حجّیت خبر واحد نیز نمی‌باشد. و خبر واحد ثقه و عادل در موضوعات هم از اعتبار برخوردار است؛ مگر مواردی که دلیل خاص برخلاف اطلاعات ادلّه حجّیت خبر واحد داشته باشیم از قبیل موضوعات باب قضا و دعاوی که به استناد روایاتی شهادت دو فرد عادل لازم است.

۲. قول اهل خبره

اهل خبره یا کارشناس کسی است که در یک فن، علم، هنر و صنعت دارای معلومات کافی باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۶۳) سیره عقلا از قدیم الایام بر این بوده که برای آگاهی از امور عارضه بر موضوعات مختلف به اهل خبره و آگاه از مسائل آن موضوع مراجعه کنند؛ مثلاً در شناخت انواع مریضی‌های جسمانی، اسباب و عوامل دخیل در پیدایش آن‌ها و راه حل دفع و رفعشان، به پزشک مراجعه می‌کنند. منشأ پیدایش این سیره هم حکم عقل به وجوب رجوع جاهل به عالم است که خداوند نیز در این آیه شریفه: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (النحل: ۴۳) بر آن تأکید کرده است.

آنچه در مورد این سیره محل بحث واقع شده، مربوط به تعیین محدوده حجّیت شرعی آن است؛ زیرا بر شارع مقدّس پذیرش هر سیره و سنت عرفی واجب نیست و نیز چه بسا شارع یک سیره را ردع نکند؛ ولی آن را مقید به شرایط خاص نماید.

کارایی اهل خبره در شناخت موضوعات احکام

نقش اهل خبره در منقح ساختن معنا و مفهوم موضوعات احکام شرعی قابل انکار نیست. گرچه که برای فهم مفهوم موضوعات عرفی باید به عرف مراجعه نمود، ولی تشخیص اینکه عرف در این رابطه چه می‌گوید و از چه ارتکازی برخوردار است کشف این ارتکاز به نحو دقیق تنها از عهده برخی از اهل خبره مانند لغت‌شناسان و فقیهان برمی‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۴)

همچنین اهل خبره در تشخیص مصادیق خارجی موضوعات احکام می‌توانند در جایگاه

یک داور کارآمد قرار گیرند. بخش مهمی از مفاهیم اخذ شده در متون دینی به عنوان موضوع احکام شرعی، به ظاهر، معنا و مصادیق روشنی دارند؛ مانند مفهوم «سود و ربح» و مفهوم «خسران و ضرر». ولی گاه همین مفاهیم در تطبیقشان بر بعضی مصادیق خارجی، دچار چالش هستند و نیازمند دقت بالا می باشند. مانند تطبیق مفهوم ضرر بر ترا ریخته ها. در این گونه موارد، داوری را به انسان غیر خبره و غیر آشنا سپردن مساوی است با خواستن قضاوت از کسی که از دانش لازم برای امر داوری برخوردار نیست. (علی دوست، ۱۳۸۸: ۷۳)

تحلیل ادله حجّیت شرعی قول اهل خبره

اظهار نظر اهل خبره در اثبات یک موضوع مرتبط با تخصّص آنان، برای مخاطبین یا مفید یقین و اطمینان شخصی است، یا وثوق نوعی را به همراه دارد و یا افاده ظن نوعی و شخصی می کند که به موازات هریک از این صورت ها نوع دلیل حجّیت قول اهل خبره تغییر می کند.

۱. حجّیت بر پایه اطمینان شخصی

غالباً قول اهل خبره برای مخاطبان نشان مفید اطمینان است و عامّه مردم به خاطر اعتمادی که به متخصصین دارند برای حل مسائل و حوادث شخصیّه، به آنان مراجعه می کنند. و وقتی هم در مشورت با آنان قرار می گیرند، به گفته آنان گوش می دهند و با یک حالت اطمینان خاطر درصدد عملی نمودن به دستوراتشان می شوند. از طرفی حجّیت اطمینان، ملحق به قطع است و حجّیت از لوازم آن محسوب می شود.

در باب شناخت بسیاری از موضوعات احکام شرعی نیز عادت مردم بر همین رویه است؛ چراکه می بینیم انسان های متدین اهل عمل به دستورات دینی، هرگاه در تطبیق موضوعات احکام بر مصادیق خارجی دچار ناتوانی و شک می شوند، به اهل خبره مراجعه، و از آنان سؤال می کنند و بعد دریافت جواب از سوی اهل خبره به یک حالت اطمینان خاطر می رسند و طبق گفته کارشناس عمل می کند. مثلاً فقیه می گوید: روزه بر بیماری که روزه گرفتن برای او ضرر دارد واجب نیست، در اینجا گاه شخص بیمار خودش نمی تواند تشخیص دهد که روزه برای او زیان بار

است یا نه، به‌ناچار از طبیب می‌پرسد و از او کمک می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۴) و یا در مرافعات معاملاتی بر سر قیمت‌گذاری، عادت مردم بر این است که به اهل خبره و آگاهان از قیمت‌ها در بازار مراجعه می‌کنند و گفته آنان را در حکم سند و حجّت می‌دانند. مثال دیگر رسم حاکم در بین عموم مردم این است که برای دانستن معانی الفاظ زبان‌های مختلف، به کتب لغت و قول لغوی به‌عنوان خبره در این کار مراجعه می‌کنند و سخن آنان را سند اطمینان آور بر اثبات یک معنا از برای یک لفظ خاص قرار می‌دهند.

۲. حجّیت بر پایه اطمینان نوعی

مراد از اطمینان، همان ظن قوی است که هرگاه به نوع مردم در ثبوت حکم یا موضوعی دست دهد از آن به اطمینان و وثوق نوعی نام می‌برند. (ولائی، ۱۳۸۷: ۲۱۱) وثوق نوعی یک طریق عقلانی که به سبب عوامل مختلف مانند خبر مخبر عادل و اهل خبره و متخصص در یک فن ایجاد می‌گردد (خرازی محسن، ۱۴۲۲: ۵/۳۰۰) و در همه زمان‌ها بوده و به‌عنوان میزان و معیار تشخیص احتیاجات و مسائل اجتماعی به شمار می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲/۴۲۸) و شارع نیز از آن حتّی در اثبات موضوعات، ردعی نکرده است. بنابراین فرقی در آن، بین موضوعات و احکام نیست در هر دو قسم بنا عقلا بر اعتماد به قول اهل خبره، در صورت حصول وثوق نوعی است؛ بلکه عموم مردم در این حالت به نظر اهل خبره تا قبل از ثبوت خلاف آن، به‌عنوان یک قانون مقرراتی کلی می‌نگرند. البته روشن است که محقق شدن وثوق نوعی از قول اهل خبره مشروط به اتفاق نظر آن‌ها در ثبوت یک موضوع است و در صورت وجود اختلاف و دادن نظریات متعارض، بدون شک چنین وثوقی عادتاً ایجاد نمی‌گردد.

۳. حجّیت از باب انسداد صغیر

مانند قول عالم رجالی که برخی معتقدند حجّیت قول آنان نسبت به اثبات وثاقت راویان حدیث از باب انسداد صغیر است؛ با این بیان که ما علم اجمالی داریم به وجود اخباری که راویان سلسله سند آن‌ها ثقه و معتبرند، امّا مشخص نیست کدام‌یک از آن اخبار این‌گونه است؛ چون

طریق معتبری که مشخص کننده راوی ثقه از ضعیف باشد، نداریم در نتیجه باب علم یا علمی بر تشخیص وثاقت روایان، غیر از طریق قول عالم رجال شناس منسد است. که در این حالت حکم عقل از باب حکومت، بر حجیت مطلق ظن ناشی از قول رجالی نسبت به وثاقت روایان استوار می باشد. (بحرانی، ۱۴۲۹: ۹۲)

۴. حجیت از باب تسالم فقها

مانند قول لغوی و عالم رجالی، پس باکمی دقت نظر در کتاب های فقهی می توان دریافت، سیره معمول فقها بر این بوده که برای فهم معانی الفاظ یک زبان به کتب لغت و قول لغت شناس آن زبان مراجعه می کنند. همچنین در مورد تشخیص وثاقت روایان احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) به قول علماء رجالی و خبره در شخصیت شناسی روایان اعتماد دارند، بنابراین میان فقها در جواز رجوع به قول لغوی و رجالی تسالم برقرار است و بهترین دلیل بر حجیت قول این دو گروه از اهل خبره، همین سیره عملی و تسالم شکل گرفته بین فقها می باشد.

۵. حجیت به استناد نصوص خاصه

مصادق روشن این قسم، فتوای مجتهد خبره در احکام شرعی است. طبق نصوص وارده در منابع روایی (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۴۲۰؛ همو، ۱۳۷۸: ۲/۲۴-۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۰) در عصر غیبت کسی که قادر به فهم فقهی احکام شرعی از ادله شرعی آنها نیست، واجب است برای دانستن وظائف شرعی مورد ابتلاش به مجتهد و شخص توانا و اعلم در استنباط احکام شرعی رجوع کند، اگرچه که قول مجتهد مفید ظن نوعی یا شخصی باشد.

معیار و شرط خاصه حجیت قول اهل خبره

در جریان بررسی اعتبار قول خبره و کارشناس نسبت به شناخت موضوعات احکام فقهی، توجه به این امر مهم است که تحلیل دلیل اصلی بر اعتبار قول خبره و کارشناس؛ یعنی سیره و ارتکاز عقلانی لزوم رجوع جاهل به عالم، این حقیقت را روشن می سازد، معیار و شرط اصلی در حجیت قول

شخص خبره، حصول اطمینان از گفته و نظر کارشناسانه اوست. در این حالت اظهار نظر او از روی حدس برگرفته از قواعد معتبر علمی و کارشناسانه، مضرّ به حجّیت قولش نخواهد بود. (حکیم طباطبایی، ۱۴۲۸: ۳/۶۵۳)؛ زیرا اطمینان در طریقیّت به واقع در حدّ قطع و یقین اعتبار دارد؛ یعنی حجّیت ذاتی و از لوازم آن به شمار می آید. بر این اساس اعتبار قول خبره به غیر از شرط حصول اطمینان و یقین، مشروط به شرط دیگری؛ مانند عدالت و اظهار نظر از روی حس نیست.

بله بر اساس آنچه در بررسی ادلّه حجّیت قول خبره بیان شد، چنانچه به هر دلیل گفته کارشناس خبره افاده ظن نوعی یا شخصی نماید پذیرش نظر او مشروط به این است که از روی حدس نباشد و نیز باید احراز شود شخص خبره فردی ثقه و درستکار در امر خبر است تا پذیرش قول او در اثبات موضوعات به استناد اطلاق ادلّه حجّیت خبر ثقه مشروعیت یابد. در غیر این صورت تنها موارد دارای دلیل خاص از اعتبار برخوردار خواهد بود که تعریف شرایط آن نیز تابع مدلول دلیل خاص است؛ مانند رجوع مقلّد به مجتهد در احکام فقهی. همچنین وقتی که طریقی برای کشف واقع به غیر از رجوع به خبره نباشد؛ یعنی راه کشف واقع دچار انسداد صغیر باشد؛ قول خبره در اینجا به حکم عقل معتبر خواهد بود و بر همین اساس برخی فقها بر اعتبار قول رجالی در رابطه با وثاقت راویان استدلال کرده اند. (بحرانی، ۱۴۲۹: ۹۲)

شرط عامّه عدم تعارض

آنچه در حجّیت شرعی خبر واحد ثقه و قول اهل خبره در اثبات موضوعات بیان شد، صحتش مشروط به شرط عام عدم تعارض نیز است. یعنی باید خبر واحد که از ثبوت موضوع حکایت دارد، در تعارض با خبر دیگر دال بر نفی آن موضوع، نباشد یا قول خبره در اثبات یک موضوع از سوی فرد خبره دیگر نفی نگردد. بر همین اساس گفته می شود در نقل فتوای مجتهد هرگاه تعارضی بین دو نقل پدید آید هر دو نقل از حجّیت ساقط می شود و قابل اعتنا نیست. (سید محسن حکیم، ۱۳۷۴: ۱/۹۶) وجه این شرطیّت این است که بنا عقلاً در اعتبار خبر واحد ثقه یا عادل و نیز قول اهل خبره بر پایه ظن نوعی یا وثوق نوعی حاصل از این امارات استوار گردیده؛ لذا هرگاه مانعی مانند تعارض، در تحقق وثوق نوعی وجود داشته باشد، اعتبار عقلانی و به تبع شرعی آن ها ساقط

می‌شود و مشمول بنا عقلا نمی‌گردد. مگر تعارض طوری باشد که اسباب منع تحقق وثوق نگردد مانند آنکه تعارض بین قول دو کارشناس صورت گیرد که یکی در مظنه و اتهام کذب و خیانت قرار داشته باشد. یا یکی اعلم و افضل از دیگری باشد. (انصاری، ۱۴۰۴: ۷۱)

نتیجه

از آنچه بیان شد معلوم گشت، هرچند اصل اولیه در تمام ظنون اعم از ظن در احکام و موضوعات، عدم حجیت است؛ زیرا ظن، مثل یقین کاشفیت از واقع به نحو تام ندارد تا حجیت ذاتی داشته باشد؛ بلکه اعتبار جعلی دارد؛ لکن اقامه دلیل قطعی بر اعتبار شرعی بعضی از امارات مفید ظن یا وثوق نوعی در موضوعات، امکان‌پذیر است؛ مانند خبر واحد و قول اهل خبره که بیشترین کارکرد را در اثبات موضوعات دارند.

در اثبات اعتبار خبر ثقه یا عادل می‌توان به سیره عقلا و اطلاق ادله امضائی خبر واحد تمسک نمود. و در فرایند این استدلال روایات مربوط به قاعده حلیت و برائت از حرمت در شبهات حکمیه و موضوعیه بخصوص روایت مسعده بن صدقه، دلالت بر ردع سیره عقلا و نفی اطلاعات ادله حجیت خبر واحد ندارد؛ زیرا این احادیث در مقام بیان اصل اولیه اشیاء یعنی حلیت تصرف و برائت از حرمت می‌باشند فرقی در این زمینه بین شبهات حکمیه و موضوعیه نیست؛ مگر موارد خاص که دلیل معتبر شرعی بر حرمت یک شیء و یا دلیل بر عدم حجیت خبر واحد در آن موضوع خاص یافت شود مانند ادله باب دعاوی و شکایات که شهادت عدلین را معتبر می‌داند و خبر عدل واحد کافی نیست.

در مورد اهل خبره نیز حق آن است که گفته شود، اگر بر قول آن‌ها دلیل خاص مانند انسداد صغیر و تسالم فقها یا نص معتبر وجود داشت به مقتضای همان نص و دلیل خاص عمل خواهد شد و در مواردی هم که چنین نیست، اعتماد غالب مردم به قول اهل خبر و وثوق نوعی حاصل از آن ملاک است؛ زیرا این حصول وثوق باعث شکل‌گیری سیره عقلا در جعل حجیت برای قول اهل خبره شده و شارع هم در صورت فقدان مانع مانند تعارض اهل خبره با یکدیگر و غیر آن، بر حجیت این سیره تأکید نموده و ردعی از آن نکرده است.

کتابنامه

-
- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، قم، نشر آل البيت، چاپ اول.
- آملی، محمد تقی، منتهی الوصول الى غوامض کفایه الأصول، چاپ خنه فردوسی، تهران، چاپ: اول
- احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة؛ محقق/ مصحح عبد السلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- امام خمینی روح الله (۱۴۱۵)، انوار الهدایة فی التعليقة علی الکفایا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۰۴ق)، الاجتهاد و التقليد، مکتبة المفید، قم، چاپ: اول.
- بحرانی محمد سند (۱۴۲۹ق)، بحوث فی مبانی علم الرجال، قم، مکتبة فذک، چاپ دوم.
- بجنوردی سید محمد (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه عروج، چاپ سوم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۰)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران.
- حسینی محمد (۲۰۰۷م)، الدلیل الفقهی تطبیقات فقهیه لمصطلحات علم اصول، دمشق، مرکز ابن ادریس الحلّی للدراسات الفقهیه، چاپ اول.
- حکیم طباطبایی سید محمد سعید، (۱۴۲۸ق)، الکافی فی اصول الفقه، بیروت، دارالاهلال.
- خرازی، محسن (۱۴۲۲ق)، عمدة الأصول، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
- خویی ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الام خویی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب اصفهانی، المفردات الفاظ القرآن، محقق/ مصحح صفوان عثمان داودی، لبنان، دارالعلم-الدارالشامیه، چاپ اول.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق)، إرشاد العقول الى مباحث الأصول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- سید محسن حکیم (۱۳۷۴ش)، مستمسک العروة الوثقی، قم، دارالتفسیر.
- شیخ صدوق؛ ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، چاپ اول.
 شیخ طوسی (۱۴۱۱ق)، محمد بن الحسن، الغيبة، محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح،
 علی احمد، قم، دار المعارف الإسلامية، قم.

شیروانی، علی (۱۳۸۵ش)، **تحریر اصول فقه**، دارالعلم، قم، چاپ: دوم.
 شیروانی، علی - غرویان، محسن، (۱۳۸۳ش)، **ترجمه اصول استنباط**، دارالفکر، قم، چاپ اول.
 عبدالساتر حسن، (تقریرات دروس صدر، محمدباقر) (۱۴۱۷ق) **بحوث فی علم الأصول**، بیروت؛
 چاپ اول.

علی دوست ابوالقاسم (۱۳۸۸)، **فقه و عرف**، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
 اسلامی.

قریشی بنایی علی اکبر (۱۴۱۲ق) **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران انتشارات الإسلامية، چاپ چهارم.
 محمدی خراسانی، علی، **شرح تبصرة المتعلمین**، دو جلد.
 محمود عبد الرحمان، **معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه**.
 مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹ش)، **فرهنگ نامه اصول فقه**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ
 اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
 مشکینی علی (۱۳۷۴ش)، **اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها**، قم؛ انتشارات الهادی، چاپ
 ششم.

_____، (۱۳۹۶ق)، **تحریر المعام فی اصول الفقه**؛ قم؛ نشر مهر، چاپ اول.
 مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵ش)، **أصول الفقه**، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ پنجم.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰ش)، **القواعد الفقهیه**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام،
 چاپ سوم.

_____، (۱۴۲۸ق)، **انوار الأصول**، (تقریرات قدسی، احمد)، قم، مدرسه الامام علی بن ابی
 طالب علیه السلام، چاپ دوم.

_____، (۱۴۲۷ق)، **دائرة المعارف فقه مقارن**، در یک جلد، قم، انتشارات مدرسه امام علی
 بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.

واکاوی مبانی حجّیت ظن در موضوعات احکام □ ۱۱۷

نائینی محمد حسین (۱۳۷۶ش)، **فوائد الاصول**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
هاشمی شاهرودی سید محمود و جمعی از نویسندگان (۱۴۲۶ق)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)**، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).

مجلات

ابراهیم زاده خلیفه محله، (۱۳۹۸ش)، بررسی لزوم اعتبار شرایط شاهد در کارشناس، **مجله جستارهای فقهی و اصولی**، سال پنجم، شماره ۱۵.
جوان عبدالله (۱۳۹۳ش)، اعتبار آرای علمای رجال از منظر حجّیت ظنون عقلانی، **مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی**، سال چهل و هفتم، شماره یکم.
حیدری حسین، بهارلویی سیامک و اسدی کوهباد هرمز (۱۳۹۷ش)، بررسی اعتبار نظر کارشناس، **مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۲۱.
ساعی سید محمد هادی (۱۳۹۲ش)، بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۳.
قربانی وحید (۱۳۹۴ش)، بررسی حجیت ظنون در موضوع شناسی فقهی، **مجله فقه و اجتهاد**، سال دوم، شماره سوم.
محمد کرمی، محمد تقی قبولی درافشان و حسین ناصری مقدم (۱۳۹۵)، تحلیلی بر حجّیت خبر ثقه بر موضوعات با تأکید بر دیدگاه سید احمد خوانساری، **مجله پژوهش های فقهی**، دوره ۱۲، شماره ۳.
یزدانی سید محمد بشیر (۱۳۹۷ش)، حجّیت خبر واحد در موضوعات، **فصلنامه علمی ترویجی مطالعات اصول فقه امامیه**، سال پنجم، شماره ۱۰.